



سبک زندگی با رویکرد قرآنی

مریم رحمتی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴ مهناز رحمتی کزاز^۲

اعظم حاجی آفاجانی^۳

چکیده

قرآن کتابی سراسر نور و هدایت است و قرایت و حاضر بودن آن در زندگی لازم است چرا که این کتاب در بعد فردی به پرورش فضایل اخلاقی و در بعد اجتماعی نیز از طریق امر به کناره گیری از رذایل و نهیهای اجتماعی به اصلاح جامعه می‌پردازد. اگر سبک زندگی قرآنی در جامعه نهادینه شود آن وقت است که جامعه به مدینه‌ی فاضله تبدیل می‌شود. بحث سبک زندگی از دیرباز تاکنون مورد توجه بوده است. سبک زندگی قرآنی، در واقع نوع زیستن را به انسان‌ها معرفی می‌کند؛ آیات بی‌شماری دال بر این موضوع وجود دارد. این مقاله درصدد است تا با روش کتابخانه‌ای و نگرشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن کریم، اصول و شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت سبک زندگی قرآنی یعنی زندگی برآمده از آموزه‌های قرآنی که جامعه را به سمت زیست قرآنی رهنمون می‌سازد و ریشه در ارزش‌های الهی دارد. انسان در نگرش قرآنی، موجودی با مأموریت و مسئولیت الهی برای بازسازی و عمران و آبادانی زمین در راستای دست‌یابی به کمال شایسته و بایسته و وظیفه خطیر خلافت الهی است

کلمات کلیدی

سبک زندگی، رویکرد قرآنی، آخرت‌خواهی

۱- گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. rahmaty.maryam61@gmail.com

۲- گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول) Mahnazrahmati400@gmail.com

۳- گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Hajiaghajani.azam@gmail.com

سبک زندگی به عنوان مجموعه‌ای از الگوهای رفتار فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می‌کند. با این که «سبک زندگی» از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد اقبال بیشتری قرار گرفت؛ اما می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی برخوردار بوده‌اند (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۶). سبک زندگی به معنای مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی که برگرفته از اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر زندگی است و در قالب آداب و رسوم و عادت‌های روزمره تبلور پیدا می‌کند و به اشکال محاورات عمومی، گفتگوها، عملکردها و زندگی روزمره مردم تجلی می‌یابد که مدل دین‌داری، الگوی مصرف، فرهنگ عمومی، نهاد خانواده و ازدواج، نمونه‌هایی از آن است. گستره سبک زندگی به وسعت همه رفتارهای فردی و اجتماعی یک جامعه است. از نوع لباس و آراستگی ظاهری گرفته تا معماری، شهرسازی، موسیقی، غم و شادی، عزا و عروسی، همه مقوله‌ها زندگی را در بر می‌گیرد (جلودار و همکاران، ۱۳۹۹). توضیح آن که بعضی از محققان، معنای زندگی را به دو معنای الف) هدف زندگی برای موجود مختار؛ و ب) فایده زندگی برای موجودات غیرمختار به کار می‌برند. توضیح آن که گاه هدف به موجودی که دارای علم و اراده است، نسبت داده می‌شود و گاه به موجودی که دارای علم و اراده نیست. موجود صاحب علم و اراده، در یکایک کارهای آگاهانه‌ای که انجام می‌دهد، رسیدن به چیزی را در نظر دارد که به آن هدف می‌گویند. به این نوع هدف که درون شخص دارای علم و اراده است، به همان دلیل که درون آن شخص است، هدف خودبنیاد می‌گویند؛ اما گاهی هدف به موجودی نسبت داده می‌شود که دارای علم و اراده نیست. در این‌گونه موارد، مراد این است که سازنده این موجود، چه هدفی از ساختن آن داشته است. به این هدف، هدف خارجی گفته می‌شود؛ یعنی در ذهن و ضمیر سازنده او است (ملکیان بهمن ۱۳۸۰). در قرن هفتم میلادی، آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی و الهی، با نام «قرآن»، بر بشر فرو فرستاده شد و اصول و بزرگراه‌های بهترین و جامع‌ترین سبک زندگی در همه حوزه‌های فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی، محیط‌زیستی و ... در همه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی و ... را برای بشریت، عرضه نموده است (کاویانی، ۱۳۹۵). در این پژوهش، معنای زندگی به معنای هدف زندگی برای انسان که موجودی مختار است؛ اما هر هدفی، هدف زندگی یا معنای زندگی انسان نیست. اهداف انسان را می‌توان در یک دسته‌بندی به آلی و اصالی تقسیم کرد. هدف آلی ابزار مقصود اصلی نیست و هدف از آن رسیدن به اهداف دیگر است. بدیهی است

سبک زندگی با رویکرد قرآنی/رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آفاجانی

که تمام اهداف انسان نمی‌تواند آلی باشد. اهداف اصلی اهدافی هستند که مقصود اصلی انسان هستند. معنای زندگی آن هدف اصلی است که تمام اهداف دیگر فرد برای رسیدن به آن است. در واقع، اگر انسان هدفی کلی در زندگی برگزیند که در تمام زندگی برای رسیدن به آن تلاش کند، تمام اهداف جزئی وی جهت داده می‌شود. این را هدف زندگی می‌نامند که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ از این رو آن را معنای زندگی هم می‌توان نامید.

بیان مساله

هنگامی که انسان هدفی دارد، در همه حال باید سمت و سوی خود را به سمت هدف اندازه بگیرد تا از مسیر منحرف نشود. این کار کنترل نام دارد. بدون برنامه‌ریزی، کنترل معنا ندارد؛ زیرا کنترل یعنی ارزیابی فعالیت‌ها به منظور حفظ آن‌ها در مسیر تعیین شده و اصلاح انحرافات احتمالی با توجه به برنامه (رضایی، ۱۳۸۹). یکی از ابعاد زمینه مطالعاتی و پژوهشی سبک زندگی، معطوف به بررسی الگوها، مراجع یا انواع سبک‌های زندگی رایج است که معمولاً منجر به معرفی گونه‌های مختلف سبک زندگی یا سنخ‌شناسی الگوهای سبک زندگی در گروه‌ها و جوامع می‌شود. به عقیده صاحب‌نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴).

حال از آن‌جا که در جوامع گوناگون بحث از آیین و روش زندگی دینی مطرح بوده است و ادیان مختلف در طول تاریخ دستورالعمل‌های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان ارائه کرده‌اند و مدعی بوده‌اند که زندگی سالم و جامعه مطلوب در نتیجه پیروی از روش زندگی ارائه شده توسط آنان است (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). پس می‌توان انتظار داشت که سبک زندگی اسلامی نیز از سبک‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی افراد و در جوامع گوناگون است؛ به‌ویژه در عصر حاضر که کاستی‌های سبک زندگی غیردینی و مادی بر همگان روش شده است. امروزه مفهوم «سبک زندگی با رویکرد قرآنی» مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است و اشاره به سبکی از زندگی دارد که منبع اصلی استخراج آن کتاب الهی است؛ به تعبیر علامه مجلسی زندگی اسلامی در زندگی قرآنی معنا می‌یابد (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۴).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

این‌که ما چگونه می‌توانیم قرآن را در سبک زندگی خود ساری و جاری است مطلبی است که خداوند آن را برای ما مشخص کرده است. در سوره «یاسین» راه رسیدن به عبودیت و بندگی برای انسان مشخص شده است و اساس خلقت انسان برای این است که عدل در جهان مهیا شود. سبک زندگی قرآنی متفاوت از زندگی غربی و مادی است. در سبک زندگی قرآنی یعنی انسان خود برای جامعه و رشد و تعالی حرکت کند. در قرآن خداوند نمی‌گوید نماز بخوانید بلکه می‌فرماید اقامه نماز کنید، نمی‌گوید قرائت قرآن کنید بلکه می‌فرماید تدبر در قرآن داشته باشید. این که زندگی ما غربی باشد و نماز بخوانیم این اقامه نماز نیست؛ نماز به پا داشتن و اقامه آن یعنی علاوه بر اینکه در ظاهر نماز را می‌خوانیم باید رذائل اخلاقی همچون حسادت، غیبت، تکبر، فساد و فحشاء و منکر و ... را از زندگی خود دور کنیم. ما باید در سبک زندگی اسلامی بدانیم که بندگی چیست و بر اساس آن زندگی کنیم. در تدبر و فهم آیات قرآنی انسان برای زندگی باید دلیل ترک گناه را بداند و پس از آن با عزم راسخ از غفلت تهنی شود به سمت ترک گناه حرکت کند. رذائل اخلاقی همچون غرور، خصامت، حرص، طمع و ... که در آیات قرآنی برای انسان آمده است باید شناخته شود و با تدبر در آیات قرآنی باید در صدد از بین بردن آنها باشیم. سبک زندگی قرآنی یعنی زمانی همچون مراسم اربعین که مردم بدون هیچ نظارتی و فقط برای خداوند به میدان می‌آیند. در زندگی اسلامی و دینی، عشق و محبت انسان‌ها از درون زیاد می‌شود و با تقوا رفتارها کنترل می‌شود (ایسنا، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

در زمینه‌های «سبک زندگی»، «سبک زندگی اسلامی»، «سبک زندگی قرآنی»، «مدرنیته»، «خانواده» و موضوعات و مسائل مربوط به آنها، پژوهش‌هایی انجام شده است

آرانی و جزایری (۱۳۹۹)، در تحقیقی به بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی قرآنی با جرائم منافی عفت پرداختند. یافتن درمان و یا پیشگیری از اقداماتی که منجر به رخداد اعمال منافی عفت می‌گردد تا حدود زیادی در شناخت سبک زندگی و ترجیحات کاربردی آن است. این نوشته عهده دار تبیین ارتباط این ترکیب می‌باشد. برای رسیدن به این هدف پس از اشاره به تاریخ پیدایش مفهوم سبک زندگی، تعریف واژگان سبک زندگی و معرفی اعمال منافی عفت نسبت به ارائه راهکارهای پیشنهادی در این حوزه بر اساس سبک زندگی و مشترکات آنها اقدام شده است. برای این تحلیل از اجزای تعاریف، مفاهیم مندرج در تعاریف، مؤلفه‌های سبک زندگی بهره برده شده است.

سبک زندگی با رویکرد قرآنی / رحمتی، کزاز و حاجی آفاجانی

محمودی و قاسمی پور (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی سبک زندگی قرآنی و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی پرداختند. هدف پژوهش حاضر بررسی سبک زندگی قرآنی و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی می‌باشد. بررسی سبک زندگی قرآنی در حوزه سلامت از جمله موضوعات موردنیاز به پژوهش در قرآن مجید بعنوان آخرین کتاب وحی الهی برای انسان‌های می‌باشد. لذا بازخوانی آیات قرآن مجید از منظر مؤلفه‌های سلامت اجتماعی و استخراج و رهنمود از آن‌ها به منظور دسترسی به سبک زندگی قرآنی در حوزه سلامت مدنظر قرار گرفته است و مفهوم‌شناسی و آثار اجتماعی سبک زندگی از منظر قرآن و شاخصه‌های زندگی اسلامی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیخ اعظمی (۱۳۹۸)، در تحقیقی به سبک زندگی قرآنی پرداختند. سبک زندگی در شکل نوین اولین بار توسط آلفرد وبر در روان‌شناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد، هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. با سه رویکرد جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و دین‌شناسانه می‌توان سبک زندگی را بررسی کرد. فرزندپروری یکی از اصول اصلی در تحقق سبک زندگی قرآنی است، این اصول شامل اصول؛ زمینه‌سازی، پیشگیری، تکریم، توجه به توانایی و ظرفیت‌ها، تدریج و آزادی پرهیز از تحمیل است. مدیریت خانواده، زن، ساده‌زیستی و هدف از زندگی از جمله عوامل مهم تاثیرگذار بر سبک زندگی قرآنی است که عدم توجه به این عوامل و آموزه‌های آن در قرآن موجب می‌شود تا سبک‌های زندگی تغییر کند. این تغییر چون تدریجی است کاملاً از دیدها پنهان می‌ماند و به نوعی عادت و سبک جدید تبدیل شده و خانواده‌ها به آن عادت می‌کنند و با این کار رفتارنسل‌ها را تغییر می‌دهند. میکایلی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی به سبک زندگی قرآنی در بعد فردی و اجتماعی پرداختند. قرآن کتابی سراسر نور و هدایت است و قرآیت و حاضر بودن آن در زندگی لازم است چرا که این کتاب در بعد فردی به پرورش فضایل اخلاقی و در بعد اجتماعی نیز از طریق امر به کناره‌گیری از رذایل و نهی‌ات اجتماعی به اصلاح جامعه می‌پردازد. اگر سبک زندگی قرآنی در جامعه نهادینه شود آن وقت است که جامعه به مدینه‌ی فاضله تبدیل می‌شود. اساساً این سبک زندگی همان عبودیت است و این عبودیت بر چهار اصل استوار است: ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با خلق و ارتباط با دنیا. اولین مورد ارتباط با خداست که طبق نص قرآن باید حق او را به جای آوریم و سپس تمام نیروهای درونی و بیرونی خود، فردی و اجتماعی را تنها برای خدا بسیج کند و رابطه‌اش با دنیا به گونه‌ای باشد که آخرتش را نیز تضمین کند. لذا تغییر در زندگی از حالت نزولی به صعودی به سمت کمال در ایجاد تحول و نگرش در گرایش و کنش‌های فرد است و این تغییر از عوامل مهم در ایجاد زندگی متعالی است.

سبک زندگی

سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌کند. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند در برابر دیگران مجسم می‌کند. سبک زندگی کاملاً قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است. سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی‌شأن و منزلت، استفاده از محصولات فناوری، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و ... امثال آن می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۶). محمد فاضلی در کتاب «مصرف و سبک زندگی» معنای این واژه را عبارت می‌داند از «طیف رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۲). سبک زندگی مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و کنش‌های افراد یک گروه از جامعه در یک دوره زمانی مشخص است. بنابراین آن را روش خاصی از زندگی نیز می‌دانیم. در ادبیات جامعه‌شناختی، سبک زندگی مجموعه رفتارهایی تعریف شده است که افراد یا گروه‌ها برمی‌گزینند و ممکن است نمایانگر نگرش‌ها و گرایش‌ها و وجه تمایز آنان از سایرین باشد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۵۴). به بیان دیگر، مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و کاملاً توسعه‌یافته انتخاب‌های فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده است. به تعبیر بوردیو، سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عمیق و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین، به فرد هویت می‌دهند و افراد گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌کنند. از نظر آدلر، سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۰).

جایگاه خانواده در سبک زندگی قرآنی و مدرنیته

تمایز میان «سبک زندگی قرآنی» و «سبک زندگی مدرنیته» با نوع رویکرد آن دو، نسبت به «آزادی انسان»، معلوم می‌شود. خانواده از دیدگاه قرآن برخلاف مدرنیته، جایگاه ارزشی رفیعی دارد؛ در ادامه بعضی از تفاوت دیدگاه‌ها میان قرآن و مدرنیته در حیطه خانواده به صورت مستدل و مستند، بررسی

سبک زندگی با رویکرد قرآنی/رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آفاجانی

می‌شود. ارزش و اهمیت این نهاد، به میزانی است که در قرآن کریم از جمله آیات و نشانه‌های الهی شمرده شده است. خداوند یکی از نشانه‌های خود را این می‌داند که از جنس انسان‌ها، همسرانی را آفریده تا به سوی آنان آرامش بگیرند و میان آنان، دوستی و مهربانی قرار داده است. در منطق قرآن کریم، نهاد خانواده و زوجیت، منحصر به انسان‌ها نیست و در همه موجودات، جریان دارد. خداوند هر چیزی را به صورت زوج آفریده است. مراد از «زوجین» در این آیه، در نزد مفسران، به معنای دو تا، دو صنف، جفت، مثبت و منفی، دو نوع، دو ملازم، دو همراه، مذکر و مؤنث، دو مخالف هم و ... بیان شده است. بنابراین اراده و خواست خداوند، بر این تعلق گرفته است که همه چیز، به صورت جفت و مکمل هم، وجود داشته باشد. این از میزان اهمیت و ارزش نهاد خانواده در همه چیز، پرده برمی‌دارد. از آنجا که خانواده تأثیری اساسی بر سراسر زندگی فرد و همه ابعاد اجتماعی دارد، همه ادیان الهی به آن توجه ویژه‌ای دارند. دین اسلام نیز، به عنوان آخرین دین الهی، آداب ویژه‌ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده و بسیاری از هنجارهای مربوط به ازدواج و خانواده را در بخش عمده‌ای از جهان تغییر داده است. پیامبراسلام (ع) و اولیای دین (ع) به مسائل خانوادگی توجه داشته‌اند. قرآن و روایات متون اصلی دین اسلام را تشکیل می‌دهند و قرآن و روایات پر است از مطالب مرتبط با خانواده. دانشمندان مسلمان از صدر اسلام تاکنون (برای نمونه، ابن‌سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، فیض کاشانی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و ...) نیز مباحث تفصیلی راجع به خانواده داشته‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۹۱، ص ۵-۱۲). هر چند ظاهر بعضی از گزاره‌های بیان شده در آیات یاد شده، اخباری است؛ ولی می‌توان از آن، این نکته را استخراج و استنباط کرد که دو تا بودن و زوجیت انسان‌ها در نزد خداوند، اهمیت و ارزش دارد و راه آن هم ازدواج و تشکیل خانواده است. خداوند در آیه‌ای دیگر دستور به ازدواج دادن مجردها، غلامان و کنیزان می‌دهد. کم‌ارزشی جایگاه خانواده در سبک زندگی مدرنیته: اعتقاد به «آزادی کامل» در سبک زندگی خانوادگی مدرنیته، خودش را در ارزش‌گذاری خانواده نیز نشان می‌دهد. از آن رو که ۱. انسان نسبت به تشکیل و تداوم نهاد خانواده، آزاد است؛ ۲. تشکیل و تداوم این نهاد، دربردارنده بعضی تقیدات و مقررات برای انسان است؛ ۳. به طور ذاتی، انسان از مقررات و قیود، گریزان است، نتیجه آن می‌شود که رفتن به سمت تشکیل خانواده و یا تداوم آن، کم‌ارزش می‌شود و افراد جهت ارضای غریزه جنسی خود، در غیرچارچوب خانواده، اقدام می‌کنند (آلبرت^۱ و همکاران، ۱۹۸۹).

دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران مدرنیته، شاهد بر کم‌ارزش بودن جایگاه خانواده در سبک زندگی مدرنیته است. افرادی همچون: «ایسیدور اگوست ماری فرانسیس خاویر کنت» (۱۷۹۸-۱۸۵۷)، «جان

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

استوارت میل» (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، همسر دوم او «هریت تیلور میل» (۱۸۰۷-۱۸۵۸)، «سارا گریمکه» (۱۷۹۲-۱۸۷۳) و «فرانسیس رایت» (۱۷۹۵-۱۸۵۲)، در قرن ۱۹ میلادی، از معروف‌ترین طرفداران نظریه تعمیم حقوق فردی اومانیستی به زنان و نخستین رهبران فمینیسم لیبرالی بودند. برای فمینیست‌های لیبرال، ایده‌آل آن بود که هر فرد، هر نوع سبک زندگی را که می‌خواهد برای خود برگزیند و دیگران نیز گزینش او را بپذیرند. این گروه بر این باور هستند که سرشت زنانه و مردانه به طور کامل، یکسان است و تنها انسان وجود دارد، نه جنسیت. از این رو، مخالف پذیرش نقش‌های متفاوت و از پیش تعیین شده برای مذکر و مؤنث در خانواده هستند و معتقدند که در روابط زناشویی، شادکامی و لذت خودمحوانه زن و شوهر، اصل است، نه تشکیل خانواده و تربیت فرزند. «فریدریش انگلس» (۱۸۲۰-۱۸۹۵) و «کارل هارینریش مارکس» (۱۸۱۸-۱۸۸۳) و دیگر نظریه‌پردازان فمینیست‌های مارکسیستی، حذف خانواده به صورت کوچک‌ترین واحد اقتصادی جامعه را مطرح می‌کنند و ایجاد مؤسسات اشتراکی را پیشنهاد می‌کنند که در آن، مجموعه کارهای خانه و نگهداری از کودکان، از وظایف اجتماعی مردان و زنان به حساب می‌آید (موسوی، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

برخی از آمارها، ارقام و گزارش‌ها در جوامع پیرو مدرنیته نیز حکایت از کم‌ارزش بودن نظام خانواده در سبک زندگی مدرنیته دارد. قوانین جدید طلاق در سال ۱۹۶۹ میلادی در انگلستان، در سال ۱۹۷۳ در سوئد، در سال ۱۹۷۵ در فرانسه و در سال ۱۹۷۶ در آلمان و در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۵، به طور تقریبی در همه ایالت‌های آمریکا به تصویب رسید. به اثر قوانینی، مانند قوانین «طلاق بی‌تقصیر» در حقیقت، از طلاق رفع محدودیت شده بود. مقامات سوئدی آشکارا اعلام کرد که به نظر آنان همه قوانینی که به زوجها مربوط می‌شود، باید به گونه‌ای تدوین شود که برای ازدواج، مزیتی بیش از همزیستی آزاد قائل نشود. (راسل، ۱۹۲۹، ۲). مهم‌ترین و اساسی‌ترین وجه تمایز میان سبک زندگی قرآنی و سبک زندگی مدرنیته، در حوزه خانواده، در این است که در سبک زندگی برخاسته از مدرنیته، بر آزادی کامل از هر جهت، توصیه می‌شود، در حالی که در سبک زندگی برآمده از قرآن کریم، بر آزادی در چارچوب شرع و قانون، تأکید می‌شود. در مدرنیته، انسان برای نخستین بار در درون، در مرکزی‌ترین عنصر هستی‌اش، یعنی ذهن، آزاد است، به آن معنا که در زیست خودش، به خود تکیه می‌کند، نه بر قوای غیرخودش (کردستانی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

انسان دوره رنسانس، به حیات اخروی خویش نمی‌اندیشد و به ماهیت اجتماعی - تاریخی خود باز می‌گردد. بنابراین، نخستین اندیشه‌اش، این است که به عنوان عامل تاریخ، خودمختاری و استقلال عمل

سبک زندگی با رویکرد قرآنی / رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آفاجانی

به دست آورد و این اعاده حیثیت آدمی و تبدیل شدن وی به عامل تاریخ، نتیجه آن است که انسان، از یوغ بندگی که جهان بینی قرون وسطی بر گردن او نهاده بود، آزاد می شود و این آزادی را در پناه حاکمیت قانون حفظ می کند (سجادی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). مدرنیته، حد و حدود ندارد و در آن، همه چیز، مباح است (داوری، ۱۳۷۵، ص ۸۳). در مقابل، دیدگاه انسان شناختی قرآن این است که: انسان - به طور ذاتی - می خواهد جلوی خودش و راه خودش را باز نماید. این بدان معنا است که طبیعت انسان، این گونه است که به دنبال فرار از مقررات، قوانین و قیود است. در وجود انسان چیزی به نام «نفس» است که به لحاظ رشدیافتگی، چند مرحله «اماره»، «لوامه»، «ملهمه»، یا «مطمئنه» ممکن است داشته باشد، آنچه به صورت ابتدایی در همه افراد وجود دارد، «نفس اماره» است؛ لکن افراد باید به اختیار خود و با تلاش بسیار، آن را به مراحل بعدی رشد دهند. حضرت یوسف (ع) می فرماید: «من نفس خود را تبرئه نمی کنم، به درستی که نفس، همواره به بدی ها امر می کند، مگر اینکه مورد عنایت خداوند باشیم و نجات یابیم»^۳ امام سجاد (ع) با تکیه بر قرآن می فرماید: «من از شر نفس خودم به خداوند پناه می برم، ...»^۴ بنابراین، آزادی انسان، مطلق نیست، بلکه محدودیت هایی دارد؛ آن محدودیت ها از جانب خود انسان وضع نمی شود که گفته شود «آزادی هر فرد محدود به حق آزادی دیگران است»؛ بلکه خالق و پروردگار انسان است که «آزادی و حدود آن» را بیان می کند. از دیدگاه قرآن، آزادی انسان و حدود آن، از طریق مبانی ای مانند «عقل»، «اختیار»، «عبودیت در مقابل پروردگار»، «اتمام حجت و معلوم شدن مطالب» و ... معلوم و تعریف می شود. این نکته در اساسی و ریشه ای ترین مسائل مانند پذیرش دین و مبدأ و معاد و ... وجود دارد و در مسائل زندگی روزمره، از جمله در خانواده نیز وجود دارد. قرآن کریم بر آزادی افراد تأکید دارد، نه بر آزادی، آزادی، در درون، به زندگی اخلاقی و در بیرون، به گزینش از میان چند گزینه که معرف حیات انسان است، برمی گردد. ولی آزادی، به جنبه های فیزیکی مربوط می شود، مانند اینکه درون زندان باشد یا بیرون آن. به دیگر سخن، با این تعریف، انسان، حتی در زندان نیز آزاد است؛ زیرا اگر چه آزادی فیزیکی خود را از دست داده، هنوز آزاد است بخوابد، بخورد، فکر کند، اعمال خود را مد نظر قرار دهد، زندگی اخلاقی درونی خود را تغییر دهد و درباره مهم ترین چیز که همان معنای تمام وجو خود است، تصمیم بگیرد (حسین پور و همکاران، حسین پور).

انواع انسان ها از دید ارتباط با دنیا از منظر قرآن کریم

با بررسی آیات قرآن کریم انسان ها به سه دسته تقسیم می شوند که در جدول زیر رابطه معنای زندگی و سبک زندگی و نتیجه آن خلاصه شده است. تنها به انسان خداپاور و دنیا و آخرت خواه وعده

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

بهره‌مندی از عملش در آخرت داده شده است و دو دسته دیگر در آخرت دچار عذاب الهی هستند. قرآن کریم که کتاب انسان‌ساز و هدایت است هم معنای زندگی و هم سبک زندگی برای تحقق آن معنا را مشخص کرده است. سبک زندگی قرآنی سبکی از زندگی است که انسان باورها، عقاید، احساسات، عواطف، هیجانات، خواسته‌ها و گفتار و کردار خود را در روابط چهارگانه انسان (رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و محیط) در چهارچوبی که قرآن مشخص کرده است، تنظیم می‌کند. پس سبک زندگی قرآنی با توجه به آن چه گفته شد سبک زندگی فرد خداپاور دنیا و آخرت‌خواه است. در نتیجه، برنامه سلوک انسان همان سبک زندگی وی را تشکیل می‌دهد (مهدی نور، ۱۳۹۸).

جدول ۱- انواع انسان‌ها از دید ارتباط با دنیا

نوع	ویژگی	معنای زندگی	سبک زندگی	نتیجه
انسان خداپااور	به خدا و در نتیجه جهان پس از مرگ قائل نیست و تمام تلاشش فقط برای رسیدن به دنیا به صرف می‌شود و همه چیز را حاصل تلاش خود می‌داند.	هر هدفی را می‌تواند برای خود برگزیند البته هدف اصیل این افراد دنیا خواهد بود.	چارچوبی مطمئن برای زندگی خود نمی‌تواند تعریف کند که مطابق آن عمل کند.	بهره‌ای از عمل نیک خود در آخرت ندارد و خداوند نتیجه تلاشش را در این دنیا به وی می‌دهد و در آخرت به عذاب الهی گرفتار است (نازعات، ۳۸-۳۹).
انسان خداپاور و دنیاخواه	به خدا و احتمالاً به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارد و لیکن دنیا را انتخاب کرده است. چون به خداوند اعتقاد دارد و همه چیز را از او می‌داند پس دنیا را هم از او می‌خواهد.	هدف اصیل این افراد دنیا است و نه آخرت.	این فرد برای خود چهارچوبی دارد که می‌تواند تا حدودی به آن وفادار باشد؛ علت وفاداری هم آن است که عالم را تحت سیطره الهی می‌داند و می‌داند اگر تحت چهارچوب الهی برای دنیا تلاش نکند دنیا را از دست می‌دهد.	بهره‌ای از عمل نیک خود در آخرت ندارد و خداوند نتیجه تلاشش را در این دنیا به وی می‌دهد و در آخرت به عذاب الهی گرفتار است. (بقره، ۲۰۰-۲۰۲؛ هود، ۱۵).
انسان خداپاور و دنیا و آخرت‌خواه	به خدا و زندگی پس از مرگ اعتقاد دارد و هم خود را صرف ارتقای مقام اخروی خود می‌کند؛ هرچند برای دنیا هم می‌کوشد؛ لیکن از دنیا و آخرت حسنه آن را می‌خواهد.	آخرت را هدف اصلی خود قرار می‌دهد و دنیا را وسیله رسیدن به آن می‌داند.	این فرد برای خود چارچوبی دارد که به آن پایبند است.	در آخرت از عمل خود بهره می‌برد (بقره، ۲۰۰-۲۰۲).

مأموریت انسان در دنیا از دیدگاه قرآن

همان‌طور که ذکر شد انسان باید هدف بلندمدتی داشته باشد که جانش را برای رسیدن به آن فدا کند. صرف عمر برای رسیدن به هدف به معنای جان دادن برای رسیدن به هدف است. این هدف بلندمدت را مأموریت انسان در دنیا می‌نامند که باید آن را به صورت بیانیه بیان کند تا همیشه فراروی وی باشد. با استفاده از بیانیه مأموریت می‌توان به این پرسش اساسی یا اصلی پاسخ داد که: «فعالیت ما در این دنیا چیست؟ برای چه آفریده شده‌ایم؟» اصولاً بیانیه مأموریت که به شیوه روشن بیان شود می‌تواند هدف‌های بلندمدت را تعیین و راهبردها را تدوین نماید. بیانیه مأموریت را گاهی گزاره اعتقادات، بیان مقصود، بیان فلسفه، بیان باورها، بیان اصول، بیان چشم‌اندازها یا گزاره‌ای می‌نامند که معرف انسان است. بیانیه مأموریت بیانگر چشم‌اندازهای بلندمدت در قالب آنچه می‌خواهد باشد است. هر موجودی برای هدفی خاص خلق شده است و آن موجود برای موجودیت خود دلیلی دارد، حتی اگر این دلیل یا دلیل‌ها را، به صورتی آگاهانه، نداند. انسان قابلیت اتصاف به تمام صفات الهی را دارا است. خداوند انسان را خلق کرد تا مثل او شود. پس می‌توان گفت: مأموریت انسان در دنیا، به فعلیت رساندن قوای به ودیعه گذاشته شده در او و اتصاف به صفات الهی است. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که انسان به دنیا آمده است تا با اعمال اختیاری، آخرت خود را بسازد. اگر نیک‌کردار باشد جایگاهش بهشت است و اگر بدکردار باشد جایگاهش جهنم است. هر کدام از بهشت و جهنم نیز مراتبی دارند. حال انسان مختار است جایگاهش را انتخاب کند و برای رسیدن به آن تلاش کند. خداوند انسان را آفریده است که مثل او شود و آن چه به صورت بالقوه در او است به صورت بالفعل درآید. راه رسیدن به مقام‌های مذکور را نیز خداوند مشخص کرده است و هیچ‌کس به صورت تفصیلی نمی‌تواند راه رسیدن به مقام قرب یا بهشت را مشخص کند. مخصوصاً در جایی که خداوند عملی را بر انسان واجب فرموده است دیگر جای هیچ اجتهادی نیست. خداوند با ارسال پیامبران راه را برای انسان مشخص کرده است. در هر زمان پیامبری آمده است که مردم موظف بودند از دستوراتش اطاعت کنند (مهدی نور، ۱۳۹۸).

نقاط قوت و ضعف اصلی انسان

هر انسانی دارای نقاط قوت و ضعفی است. نقاط ضعف و قوت انسان‌ها برای انجام رسالت و مأموریتشان نیز متفاوت است. تجزیه و تحلیل داخلی که نیم‌رخ واقعی انسان را به دست می‌دهد دشوار و پرتکاپو است و مستلزم قضاوت‌های ارزشی و حدس و گمان‌های آگاهانه و تجزیه و تحلیل عینی وضع انسان است. در تجزیه و تحلیل داخلی باید قوت‌ها و ضعف‌های با اهمیت راهبردی تدوین و معرفی شوند، برای این کار

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

بهتر است عوامل کلیدی داخلی همانند روحیات فرد تعیین شده و سپس ارزیابی شوند. نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات و سرانجام مأموریت انسان در مجموع می‌تواند مبنایی به‌دست دهند که براساس آن، هدف‌های بلندمدت و راهبردها را تعیین کرد. کسانی که راهبردها را تعیین می‌کنند به‌هنگام تعیین اهداف بلندمدت و راهبردها می‌کوشند از نقاط قوت داخلی سود جویند و آن‌ها را تقویت کنند و نیز نقاط ضعف را از بین ببرند. انسان به سوی خداوند در صیروت و شدن است و باید به قرب حق برسد. اگر کسی در این دنیا به قرب حق نرسد زیان کرده است؛ پس فعالیت اصلی انسان باید متوجه رسیدن به مقام قرب باشد و اعمال دیگر فعالیت‌های پشتیبانی محسوب می‌شوند. انسان باید فعالیت‌های خود را متناسب با آن هدف ارزش‌گذاری کند و براساس توانایی‌هایی که برای انجام فعالیت‌ها برای رسیدن به اهداف وجود دارد، عوامل داخلی را شناسایی و ارزش‌گذاری کند. نقاط قوت و ضعف انسان به دو دسته اکتسابی و غیراکتسابی تقسیم می‌شوند. نقاط قوت غیراکتسابی انسان توانایی‌هایی هستند که بدون توجه به تلاش انسان به او داده شده است و نقاط قوت اکتسابی در اثر تلاش انسان به دست می‌آید؛ به عنوان مثال، در انسان فطرت وجود دارد؛ لیکن توکل باید کسب شود و چون کسب شد یک نقطه قوت برای انسان است. نقاط قوت غیراکتسابی انسان مطابق آیات و روایات عبارت‌اند از (مهدی نور، ۱۳۹۸):

جدول ۲- نقاط قوت و ضعف اصلی انسان

نقاط قوت اصلی	نقاط ضعف
- حب دنیا	- فطرت که خود شامل میل به جاه و عزّ و استعلا،
- عجله	میل به خلود، حب جمال و میل به حق است.
- جهل	- عقل
- غفلت	- محبت و عشق
- خجالت	- ترس و خشیت
- تعصب و تقلید کورکورانه	- تقلید
- تنبلی	- امید و آرزو
- ناامیدی	- توان جسمی
- ترس منفی	- شرم و حیا
- حقد و حسد	- ایمان
- بخل	- علم
- قساوت قلب	- تواضع
- کینه	- توکل

سبک زندگی با رویکرد قرآنی/رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آفاجانی

- نفاق	
- غم و حزن	
- حب به باطل و انحراف به سوی آن	
- سوءظن	
- کفر	
- اعراض از حق	
- دروغگویی	
- اعتماد به نفس	

فرصت‌ها و تهدیدهای اصلی انسان

هر انسانی در قلمرو وظایف خود دارای فرصت‌ها و تهدیدهایی است. انسان باید از نقاط قوت خود برای استفاده از فرصت‌ها بهره بگیرد و از تهدیدها دوری کند؛ لذا شناخت فرصت‌ها و تهدیدها ضروری است. فرصت‌ها و تهدیدهای انسان مطابق آیات و روایات عبارت‌اند از:

جدول ۳- فرصت‌ها و تهدیدهای اصلی انسان

- نقاط قوت	- نقاط ضعف
- عمر و جوانی	- شیطان
- هدایت خداوند	- حبط عمل
- قرآن	
- امامت	
- دعا	
- عبادت و ذکر	
- توبه	
- شفاعت	
- اموال	

عمر و جوانی: عمر انسان سرمایه‌ای است که به او عطا شده تا به کمال نهایی خود برسد؛ لذا پس از زندگی دنیوی که پرده‌ها کنار می‌رود و چشمش به حقایق می‌افتد، آن‌چه را کسب نکرده طلب می‌کند. در این حال، فقط به اندازه تلاش و کوشش وی در دنیا به او داده می‌شود و سؤال می‌شود که عمر و جوانی‌ات را که برای رسیدن به این نعم و مقامات به تو داده بودیم در چه راهی صرف کردی (دیلمی ۱۴۱۲، ق، ۱، ۱۵).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

توبه: در دنیا انسان با اعمال اختیاری‌اش صورت اخروی خود را خلق می‌کند و با آن صورت به آخرت متولد می‌شود؛ حال اگر اشتباه کرد، آیا راهی برای جبران اشتباهش هست؟ خداوند برای اشتباهات انسان توبه را قرار داده است. توبه چون پاک‌کنی است که نقاشی‌های اشتباه را پاک می‌کند. توبه در لغت به معنای بازگشت است (قرشی بنایی ۱۴۱۲ ق، ۱، ۲۸۵).

هدایت خداوند: یکی از فرصت‌های انسان برای وصول به کمال، هدایت خداوند است. هدایت، دلالت و راهنمایی از روی لطف است و شامل هدایت عمومی اشیاء (هدایت تکوینی) (طه، ۵۰)، دعوت به زبان انبیاء و کتب الهی (هدایت تشریحی) (بقره، ۲۱۳)، هدایت توفیقی (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق، ۸۳۵)، امامان (سجده، ۲۴؛ انبیاء، ۷۲-۷۳) می‌شود.

دعا و سؤال: دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی است (مجلسی ۱۴۰۳ ق، ۹۳، ۳۰۰).

ذکر: ذکر یعنی به خاطر آوردن و توجه کردن یا توجه دادن و خداوند دستور ذکر نعمت‌هایش را می‌دهد (بقره، ۴۰ و ۴۷).

عبادات: یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های انسان برای وصول به کمال عبادت است. طوری که هدف از خلقت انسان عبادت ذکر شده است (ذاریات، ۵۶).

شیطان: یکی از تهدیدات انسان در حرکت از دنیا به سمت آخرت و ابدیت وجود شیطان است. موجودی که از همان آغاز خلقت انسان با وی دشمنی ورزید و قسم خورد تا آدم و فرزندانش را گمراه کند و او را به دوزخ واصل کند (فاطر، ۶). شیطان برای رسیدن به هدف و مقصود خود از ضعف‌های انسان استفاده می‌کند. ابلیس کارهای بد را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد و آن‌ها را می‌آراید (حجر، ۳۹).

حبط عمل: یکی از تهدیدهای انسان در سیر به سوی کمال حبط عمل است. کلمه حبط به معنای باطل شدن عمل و از تأثیر افتادن آن است و در قرآن هم به عمل نسبت داده شده است (فرقان، ۲۳).

نسبت دین و سبک زندگی

هرگز انسان (اگرچه به خدا نیز معتقد نباشد) از دین - برنامه زندگی که بر اصل اعتقادی استوار است - مستغنی نیست؛ پس دین همان روش زندگی است و از آن جدایی ندارد. قرآن کریم، معتقد است که بشر از دین گریزی ندارد و آن راهی است که خدای متعال برای او باز کرده تا با تعلیمات آن به سعادت برسد؛ منتهای امر، کسانی که دین حق (اسلام) را پذیرفته‌اند به راستی راه خدا را می‌پیمایند و کسانی که دین حق را نپذیرفته‌اند، راه خدا را کج کرده و به بیراهه می‌روند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

سبک زندگی با رویکرد قرآنی / رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آقاجانی

«دین حق نزد خدا اسلام است»^۵ از یک دین واحد با احکام واحد و مشخص یک سبک و روش زندگی منتج می‌شود. در سبک زندگی غربی، سبک زندگی به مثابه دین است؛ اما در اسلام دین به مثابه سبک زندگی است. دین یک نوع شیوه زندگی کردن است. اما شیوه زندگی که مورد نظر خداوند است. اینکه بگوییم دین برنامه زندگی است، کاستن از نقش دین است؛ اسلام، یعنی دین زندگی، دین در زندگی با چنین نگاهی مشخص می‌شود که اصلاً معنای دقیق دین، کیفیت زندگی و چگونه زیستن است. پیامبر اسلام (ص) نیز دین را در قالب سبک زندگی ترویج کردند؛ چون اگر شیوه زندگی دیندارانه ترویج پیدا می‌کرد، تفکر دیندارانه و دین‌مدارانه هم گسترش پیدا می‌کرد؛ در واقع می‌توان گفت: بین دین و سبک زندگی، نسبت تساوی برقرار است و تمام اعمال و رفتار ما در حیطه احکام خمسسه اسلام (حلال، حرام، مکروه، مستحب و مباح)، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، به تبیین و پردازش سبک زندگی از دیدگاه «قرآنی» می‌پردازد. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. تکیه اصلی در استخراج مؤلفه‌های سبک زندگی خانوادگی، بر آیات قرآن کریم است که به دلالت ظاهری آیات استناد کرده و به دیدگاه کلی و مجموعی و رعایت قواعدی تخصصی مثل «عام و خاص»، «مطلق و مفید»، «مجمل و مبین» و... با نگاه سیستمی به کل مفاهیم اسلامی، تلاش می‌شود تا نظر نهایی قرآن کریم استخراج شود. دستاوردهای این پژوهش از نوع کاربردی است؛ زیرا «سبک زندگی» به عینیت‌های بیرونی زندگی افراد و جوامع اشاره دارد. این دو سبک از زندگی در طول قرن‌های متمادی، در جوامع اسلامی، رخ نموده و به صورت یک فرهنگ و سپس، به صورت یک تمدن مستقل و متمایز، درآمده است.

نتیجه گیری و بحث

آرامش، انسان دوستی، مهربانی و ایمان به پروردگار از جمله اهداف بلند قرآن کریم در تبیین هدف تشکیل خانواده است که اعضای آن می‌توانند در رسیدن یکدیگر به کمال حقیقی انسان، یاری رسان باشند، بویژه اگر این خانواده براساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده و بتواند قوانین کلی جهت تطبیق با نیازهای روزانه و نحوه رفتار صحیح در سبک زندگی را رعایت نماید. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت شمرده، نیک

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تامین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش بر می‌شمارد. در این مقاله تلاش شده است که با معرفی الگوها و اسوه‌هایی که در قرآن به عنوان خانواده‌های برتر شناخته شده‌اند. راهی را در پیش روی خانواده قرار دهد تا این نهاد مقدس بتواند از به تباهی کشیده شدن فرزندان و به تبع آن جامعه جلوگیری نماید. اسلام به عنوان کامل‌ترین و سالم‌ترین راهنمای زندگی، مجموعه کامل شناختی و دستوری را برای دستیابی به کمال در عرصه‌های زندگی دنیوی و اخروی فراهم آورده است. زیرا از نظر آموزه‌های وحیانی اسلام، هرگونه دستیابی به انسان کامل و جامعه سالم، نیازمند توجه کامل به حوزه فرهنگی است. انسان در نگرش قرآنی، موجودی با مأموریت و مسئولیت الهی برای بازسازی و عمران و آبادانی زمین در راستای دستیابی به کمال شایسته و بایسته و وظیفه خطیر خلافت الهی است، از این رو، توجه به فرهنگ و توسعه و مسائل آن، به معنای توجه دقیق و کامل به مأموریت و مسئولیت الهی وی می‌باشد. بر این اساس تمدن‌سازی به عنوان یک مأموریت برای انسان تعیین شده است و انسان چاره‌ای ندارد که در این مسیر گام بردارد. به تعبیر قرآن، شکل اصلی تمام فعالیت‌های نظام یک جامعه از ماهیت فرهنگی آن، هویت و رنگ می‌گیرد. به عبارتی حفظ یک نظام گرچه به ظاهر، بستگی به پویایی و استقلال فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی دارد، ولی نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاست‌گذاری در بخش‌های دیگر متأثر از فرهنگ آن نظام اجتماعی است. فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای آن، علت محدثه و ایجاد اقتصادی، سیاست و فعالیت‌های دیگر اجتماعی است. از این رو استقلال، موجودیت و تداوم آنها، بستگی به نوع فرهنگ یا ارزش‌ها و باورهایی است که این دو حرکت (اقتصادی، سیاسی و نظامی) بر پایه آن شکل گرفته‌اند.

سبک زندگی با رویکرد قرآنی/رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آفاجانی

منابع

- ۱) آرانی، محمد و جزایری، سیدعباس (۱۳۹۹) بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی - قرآنی با جرائم منافی عفت، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران
- ۲) برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸) روان‌شناسی سیاسی، تهران، سمت.
- ۳) جلودار، مصطفی و مؤمنی، سیدجواد (۱۳۹۹) ارتباط سبک زندگی قرآنی با معیشت و اقتصاد خانواده، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، کرج
- ۴) حسین پور، رضا؛ بلالی اسکویی، آریتا و کی نژاد، علی (۱۳۹۶)، تبیین سبک زندگی اسلامی (رضوی)، راه کارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایران، مجله فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۵) خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا (۱۳۹۹) [/https://www.isna.ir/news/98012711420](https://www.isna.ir/news/98012711420)
- ۶) خطیبی، حسین و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲) مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، ماهنامه معرفت، سال ۲۲، شماره ۳: ۱۳-۲۵.
- ۷) داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵) دین و تجدد، مجله‌نامه فرهنگ، ش ۲۱، ص ۸۰-۸۷.
- ۸) دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲، ق) ارشاد القلوب الی الصواب. قم الشریف الرضی.
- ۹) رجب‌نژاد، محمدرضا؛ یحیی حاجی، امیرمهدی، طالب و رجب‌نژاد، سعید (۱۳۹۲) بررسی نسبت سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن، سبک‌زندگی اسلامی با محوریت سلامت، سال ۱، شماره ۱، ۹-۲۱.
- ۱۰) رضایی، مصطفی (۱۳۸۹) «سبک‌های زندگی و چالش‌های هویتی: رد پای زیستن»، زمانه، کانون اندیشه جوان.
- ۱۱) سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۱) خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۲) سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۱) هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۱۳) شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱) همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، تهران، نشر معارف.
- ۱۴) شیخ اعظمی، علی (۱۳۸۹)، سبک زندگی قرآنی، سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی، تهران
- ۱۵) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۹) قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، الف.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

- ۱۶) فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، قم، نشر صبح صادق.
- ۱۷) الفت، سعیده و سالمی، آزاد (۱۳۹۱) مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، شماره ۱۲، ۹۴-۸۱.
- ۱۸) کاویانی، محمد (۱۳۹۴) درسنامه سبک زندگی (بارویکرد تجویزی)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۹) کردستانی، مثنی امین (۱۳۸۸) فمینیسم، ترجمه عبدالظاهر سلطانی، مشهد: انتشارات حافظ ابرو.
- ۲۰) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار. محقق و مصحح: چاپ دوم: بیروت.
- ۲۱) محمودی، مهدی و قاسمی پور، علیرضا (۱۳۹۹) بررسی سبک زندگی قرآنی و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، کرج
- ۲۲) ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰) هرکس خود باید به زندگی خویش معنا بخشد، بازتاب‌اندیشه، ۲۳: ۱۸-۲۷.
- ۲۳) موسوی، معصومه (۱۳۷۸) تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی، ضمن کتاب «بولتن مرجع فمینیسم»، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۲۴) مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶) دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
- ۲۵) مهدی نور، سید حاتم (۱۳۹۸) برنامه حرکت انسان برای نیل به معنای زندگی با رویکرد سبک زندگی قرآنی، فصلنامه علمی - پژوهشی نامه سبک زندگی، سال پنجم، صص ۳۴-۹.
- ۲۶) میکاییلی، اشرف و جلالی، سمیه و رضازاده، فاطمه (۱۳۹۶) سبک زندگی قرآنی در بعد فردی و اجتماعی، کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱، رشت
- 27) Albert D. Klassen, et al (1989), sex and morality in the U.s., Middletown
- 28) Russel, Bertrand (1929), Marriage and Morals, Liveright, New York.

یادداشت‌ها:

- 1 Albert
2 Russel

۳ «وَمَا أُبْرِءُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف، ۵۴).

۴ «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (مفاتیح‌الجنان).

۵ آل عمران / آیه ۱۹.